

بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری در ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ - ۱۳۳۵

دکتر سیداسکندر صیدایی^۱

عیسی بهاری^۲

امیر زارعی^۳

(تاریخ دریافت ۸۹/۵/۱۹ - تاریخ تصویب ۹۰/۲/۴)

چکیده

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره، از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است. بدین روی، بهره‌برداری کامل و مناسب از منابع انسانی هر کشور باید به عنوان یکی از اهداف راهبردی توسعه در نظر گرفته شود. بیکاری، حال یکی از نامطلوب‌ترین پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی است که پیامدهای منفی و ناگواری را در زمینه‌های مختلف به دنبال دارد. در سال‌های اخیر و به ویژه در حال حاضر، اقتصاد ایران به ویژه در روستاها به شکل بحرانی‌گریبانگیر این معضل می‌باشد؛ مسئله‌ای که باعث می‌شود هر ساله نیروی انسانی فعال و بیکار موجود در روستاها راهی شهرها (ناکجاآباد) شوند. شهرهایی که خود از این جنبه، مشکلات کمی ندارند، با ورود این گروه از مهاجرین؛ مشکلات آن دوچندان شده و علاوه بر معضل بیکاری، مشکلات دیگری

۱ - استادیار دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی دانشگاه اصفهان، Sidaiy@ltr.ui.ac.ir

۲ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، bahari_geography@yahoo.com

۳ - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، amirzareei53@yahoo.com

مثل حاشیه‌نشینی، فساد، ترافیک و گریبانگیر آن می‌شود. بنابراین راه‌حل اصلی این مشکل در روستاهاست که باید به طور اصولی حل و فصل شود، لذا بایستی مبارزه با بیکاری و حل مسئله اشتغال در رأس برنامه‌های کشور قرار گیرد. مقاله حاضر به دنبال شناخت و ریشه‌یابی وضع موجود بیکاری و اشتغال کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۹ بوده و همچنین به بررسی میزان اشتغال در بخش‌های سه‌گانه اقتصادی پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که طبق آخرین آمار (بهار ۱۳۸۹) استان‌های خراسان شمالی، مرکزی و آذربایجان شرقی به ترتیب با ۵/۴، ۱۰/۳ و ۱۰/۴ درصد دارای نرخ بیکاری پایین و استان‌های فارس، لرستان و اردبیل به ترتیب با ۲۱/۳، ۱۶/۱ و ۱۵ درصد دارای نرخ بیکاری بالا می‌باشند. نرخ بیکاری کشور در سال ۱۳۸۵ طبق آمار رسمی مرکز آمار ۱۱/۲ درصد بوده است و در حال حاضر طبق آمار سه ماهه اول سال جاری نرخ بیکاری به ۱۴/۶ درصد رسیده که نسبت به سال ۱۳۸۵ میزان آن ۳/۴ درصد افزایش داشته است که حاکی از میزان بالای بیکاری در کشور می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر چند نرخ بیکاری در برخی استان‌ها کاهش محسوسی را نشان داده، ولی با این حال نرخ بیکاری در کشور رقم بالایی را نسبت به کشورهای توسعه یافته و بیشتر کشورهای در حال توسعه دارد و دلیل آن رشد روز افزون جمعیت و افزایش عرضه نیروی کار و همچنین پایین بودن ظرفیت‌های تولید می‌باشد. روش مطالعه این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و کمی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با استناد به آمارهای رسمی مرکز آمار ایران و مبتنی بر اسناد و مدارک می‌باشد.

واژگان کلیدی: اشتغال، بیکاری، نیروی انسانی، مهاجرت، حاشیه‌نشینی.

۱- مقدمه

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل مورد نظر از اساسی‌ترین نیازهای یک جامعه محسوب می‌شود. بیکاری به عنوان یک پدیده مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح بوده و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های اساسی برنامه‌ریزان بوده است (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۱). اشتغال و بیکاری، از جمله موضوع‌های اساسی اقتصاد هر کشور است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود. نرخ بیکاری یکی از شاخص‌هایی است که برای ارزیابی شرایط اقتصادی کشور مورد استفاده قرار

می‌گیرد. مسائل مربوط به اشتغال و بیکاری امروزه بطور وسیعی در مباحث اقتصادی اعم از کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی مطرح می‌باشد. مسائل فوق زمانی که ابعاد آنها با مسائل اجتماعی در می‌آمیزد، اهمیت بالاتری به خود می‌گیرد. مشکل ناشی از پدیده بیکاری و عدم اشتغال علاوه بر مشکلات اقتصادی که به دنبال دارد، منشأ بروز اختلالات رفتاری و کرداری در سطح جامعه و همچنین بروز تنش‌های سیاسی می‌گردد، که سلامتی یک جامعه را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد (دهقان، ۱۳۸۰: ۹). اشتغال در تمامی مباحث اقتصادی، یک بحث کلیدی و استراتژیک است، زیرا تأمین یا عدم تأمین اشتغال نیروی انسانی می‌تواند اثرات مثبت و منفی در چگونگی دستیابی به توسعه هر کشور داشته باشد. اشتغال عاملی است که باعث می‌شود از تمام نیرو و توانمندی‌های فکری- فیزیکی انسان استفاده شود و این روند به دنبال خود، آرامش و تمکین جامعه را به دلیل از بین رفتن بیکاری، مسکوت ماندن امر مهاجرت و بالا رفتن در آمد ناخالص ملی در پی دارد (قدیری معصوم، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

امروز یکی از دغدغه‌های اصلی کشور حل معضل بیکاری است که به دلایل ساختاری از جمله افزایش عرضه نیروی کار، کمبود سرمایه‌گذاری، مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی، افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، جوانی جمعیت و ... بازار کار کشور با عدم توازن مواجه شده است (گزارش جمهور، ۱۳۸۷: ۵). در حال حاضر «بیکاری» (به معنای فقدان و یا نقصان فرصت‌های شغلی کافی و مناسب برای جمعیت جویای کار و عدم توازن بین عرضه و تقاضای نیروی کار)، و تبعات ناشی از آن، یکی از معضلات اساسی کشور به شمار می‌آید (طالقانی، ۱۳۸۴: ۴). بیکاری در اقتصاد ایران معلول کارکرد متغیرهای اقتصادی و اثرگذاری آنها بر تقاضای نیروی کار و در طرف عرضه، تابع ساختار و نرخ رشد جمعیت و در عرصه عوامل محیطی مؤثر بر رشد جمعیت، افزایش عرضه نیروی کار در دراز مدت، افزایش نرخ مشارکت، سطح فناوری تولید، میزان دستمزدها و پدیده چند شغلی بودن؛ از عوامل مهم تأثیرگذار محسوب می‌شوند. در طرف تقاضا نیز رشد بخش‌های مختلف اقتصاد، سطح سرمایه‌گذاری، کشش‌پذیری تولید، رشد اندک بهره‌وری عوامل و سطح دستمزدها و در عرصه محیطی، قوانین و مقررات بازار کار و کارکرد نهادهای موجود نظیر مراکز کاریابی مؤثرند (باصری و جهانگرد، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

روند توسعه اقتصادی- اجتماعی هر کشور را در نهایت منابع انسانی آن تعیین می‌کند. در همین

راستا بهره‌برداری کامل و مناسب از منابع انسانی هر کشور باید به عنوان یکی از اهداف راهبردی توسعه در نظر گرفته شود (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۱). ولی در کشور ما از این عامل استفاده بهینه‌ای نمی‌شود و به همین لحاظ بازار کار با مشکلات زیادی مواجه است که عدم استفاده از این همه نیروی انسانی، ضعف ایمان به کار و وجدان کاری از آن جمله است؛ به طوری که جمعیت بیکار کشور از یک میلیون در سال ۱۳۳۵ به ۱/۵ میلیون در سال ۱۳۷۵ رسیده است و اگر این روند اصلاح نشود، در آینده‌ای نزدیک این مشکلات دو چندان می‌شود. حل مشکل بیکاری در کشور در گرو ایجاد تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور است و در شرایط فعلی کشور، چنانکه بپذیریم که بیکاری مهم‌ترین معضل کشور است؛ باید با دیدی واقع‌بینانه به آن نگرسته و برای حل آن اقدامات اساسی صورت گیرد.

انفجار جمعیت ناشی از متولدین سال‌های ۶۵ - ۱۳۵۵ و ظهور آن به عنوان عرضه نیروی کار در طی دو دهه اخیر سبب شد تا میزان عرضه نیروی کار از فرصت‌های شغلی به نحو چشمگیری پیشی گرفته و معضل بیکاری با شتاب بالا گسترش یابد و سبب ائتلاف عظیم منابع انسانی و رنج و فقر تعداد کثیری از جمعیت کشور شود (توسلی، ۱۳۸۵: ۱). نظر به اهمیت موضوع اشتغال به خصوص در شرایط حاضر که اقتصاد ایران با معضل بیکاری روبروست، این مقاله درصدد بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری کشور در طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۹ می‌باشد.

۲- مبانی نظری

اشتغال، مجموعه فعالیت‌هایی است که در یک دوره معین در مقابل آن مزدی پرداخت می‌شود. به بیان دیگر اشتغال عبارتست از بکارگیری منطقی نیروهای متخصص کارآمد در مشاغل تخصصی و تطبیق آن‌ها با موقعیت‌های تخصصی مورد لزوم سازمانی، به نحوی که اشتغال صحیح آن‌ها، نیل به هدف‌های سازمانی را ممکن سازد (دهقان، ۱۳۸۰: ۹). چالش‌های اشتغال و بیکاری نه تنها یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی روز در کشور به شمار می‌آید، بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می‌توان آن را مهم‌ترین چالش اجتماعی چند دهه آینده نیز به حساب آورد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳: ۱). اصولاً اشتغال افرادی که به سن کار می‌رسند یک الزام سیاسی- اجتماعی است؛ زیرا اشتغال نوعی معرف و مجوز زندگی مستقل می‌باشد و بیکاری می‌تواند به انحراف و سرخوردگی نسل جوان و بحران‌های اجتماعی و سیاسی خاصی منجر گردد. به همین دلیل با وجود آنکه اقتصاددانان، تأمین اشتغال کامل در کنار رشد مداوم اقتصادی، تثبیت

سطح قیمت‌ها و موازنه تراز پرداخت‌ها را از اهداف چهارگانه اقتصادی بیان می‌کنند، اما به اتفاق، اشتغال کامل را مهمترین آنها می‌دانند (مهدوی‌عادلی، ۱۳۸۰: ۹۲). نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی نمود (احمدی و یزدخواستی، ۱۳۸۵: ۲). صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که مشکلات شغلی، به ویژه بیکاری در کشورهای جنوب و حتی در نواحی شهری ریشه در توسعه‌نیافتگی روستایی دارد. با مروری مختصر بر پیشینه موضوع می‌توان دریافت که کینز، بیکاری را نتیجه کاهش سرمایه-گذاری می‌داند (سپهر، ۱۳۴۵: ۲۳). اما به نظر جون رابینسون، سیاست‌های کینز فقط زمانی مناسب-اند که عوامل تولید موجود باشند؛ اما در کشورهای در حال توسعه؛ مسئله این است که عوامل تولید وجود ندارد (رابینسون، ۱۳۵۸: ۷۶). در کشورهای جنوب، مهاجرت روستاییان ناشی از مسائل حاد و لاینحل اقتصادی است (بیکاری و نبود شغل) و مهاجرت به منظور جستجوی زندگی بهتر صورت می‌گیرد (سعیدی، ۱۳۷۷: ۹۰).

با توجه به اینکه مهمترین عامل مهاجرت از روستا به شهر، بیکاری و نبود فرصت‌های اشتغال می‌باشد، در نتیجه ضروری است که با اتخاذ استراتژی‌ها و برنامه‌های مناسب، باعث کاهش مهاجرت و بسط فرصت‌های شغلی و بازآفرینی توان اقتصادی روستاییان شد (دهقان، ۱۳۸۰: ۵). به نظر والتر گالنسون، عامل اصلی بیکاری در کشورهای در حال توسعه این است که زمین نمی‌تواند جمعیت روزافزون را به کار مشغول سازد و احتمال زیادی وجود دارد که اتوماسیون در آینده بسیار نزدیک موجب تنزل مطلق اشتغال در صنایع تولیدی شود. علاوه بر آن علیرغم اینکه صنایع کوچک تولیدی و صنایع دستی، آماده استفاده وسیع از نیروی انسانی است اما این استراتژی با مشکل رقابت در بازار فروش مواجه می‌باشد (گالنسون، ۱۳۶۸: ۳۸). با این حال برخی معتقدند که صنعتی شدن با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، نرخ بیکاری را کاهش می‌دهد (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۵۳). کارشناسان دفتر بین‌المللی کار معتقدند که رشد اقتصادی، شرط لازم ریشه‌کن کردن بیکاری و فقر است؛ اما تنها شرط نیست (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۴۰). دکتر محمد علیزاده معتقد است که ساختارهای موجود اقتصاد کشور مانع و عامل ناکافی است (علیزاده، ۱۳۷۸: ۹۷). همچنین مایکل تودارو برای اشتغال، استراتژی جامع تدوین کرده و راه‌حل نهایی مسئله بیکاری شهری را بهبود محیط روستایی می‌داند (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۵۵). دکتر غلامعبّاس توسلی بر این باور است که بیکاری موجود به طور

کامل معلول اوضاع اقتصادی و تحولات دهه اخیر نیست؛ بلکه بخشی از آن معلول وضعیت بنیادی در اقتصاد ایران و ساختار کل آن است (توسلی، ۱۳۸۵: ۷۳). عده‌ای نیز معتقدند که با اجرای برنامه‌ریزی، توسعه توکد می‌یابد و علائم آن رفاه و از بین رفتن بیکاری و ... خواهد بود (مهدوی، ۱۳۸۰: ۴). بازار کار در اقتصاد ایران به دلایل مختلف اقتصادی و اجتماعی، حکایت از عدم تعادل دارد. به طوریکه طی دهه‌های اخیر عرضه نیروی کار بر تقاضای آن فزونی داشته و این شکاف به تدریج افزایش یافته است، که نتیجه آن بحران بیکاری و عدم وجود اشتغال مناسب برای نیروی کار بویژه جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است (قویدل، ۱۳۸۷: ۲۲). اهداف اصلی مقاله حاضر شناخت و ریشه‌یابی وضع موجود بیکاری و اشتغال در طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۹ کشور می‌باشد.

۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق به این لحاظ است که امروزه بیکاری به یکی از مسائل و مشکلات عمده کشور تبدیل شده است. چون با وجود بیکاری بالا از یک طرف، بخش وسیعی از نیروی فعال جامعه که می‌توانست در فعالیت‌های مختلف به کار گرفته شود و رشد تولید ملی و شکوفایی را به بار آورد؛ به هدر رفته است و از طرف دیگر فقر، فساد، توزیع ناعادلانه درآمد و پیامدهای منفی دیگر، دامنگیر جامعه می‌شود. بنابراین در هر برنامه توسعه، تأمین اشتغال باید به عنوان یکی از اولویت‌ها مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر مهار بیکاری از طریق سیاست‌های مناسب، منجر به کاهش بسیاری از عوارض نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و زمینه مناسب‌تری را برای رشد و توسعه اقتصادی و رسیدن به اهداف برنامه فراهم می‌نماید. جهت برنامه‌ریزی در زمینه اشتغال و اشتغال‌زایی، نیاز به شناخت میزان بیکاری و اشتغال استان‌ها و نواحی کشور می‌باشد، تا نواحی محروم شناخته شده و برنامه‌ریزی دقیق و اصولی صورت گیرد.

۴- پیشینه تحقیق

سابقه تحقیقات و بررسی‌های انجام شده حول محور یک کار تحقیقی انجام آن را تسهیل می‌کند و نتایج به دست آمده می‌تواند از بعضی دوباره‌کاری‌ها جلوگیری کند. در خصوص موضوع مورد مطالعه، تحقیقاتی به شرح زیر انجام شده که عبارتند از:

- خانی (۱۳۷۵) در رساله دکتری خود تحت عنوان «نقش اشتغال در فرآیند توسعه روستایی (مطالعه موردی استان گیلان)» به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نحوه مشارکت اقتصادی زنان روستایی در سال‌های اخیر بیکاری و مدرنیزاسیون در مناطق روستایی بوده است، اگر چه اشتغال زنان تحت تأثیر شرایط کشت و زرع و نیاز فصلی به نیروی کار قرار دارد، لیکن از جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی جامعه نیز متأثر می‌گردد. بطوریکه فقر خانوارها نیاز به مشارکت زنان در نیروی کار را تشدید نموده و از سوی دیگر با کنار رفتن الزامات اقتصادی از مشارکت آنان در بازار کار کشاورزی کاسته می‌گردد.
- زیاری (۱۳۸۰) در تحقیقی به بررسی و تحلیل و برنامه‌ریزی اشتغال در استان یزد پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین بخش اشتغال‌زا، مالی و تجاری بوده است. به ازای هر شغل ایجاد شده در بخش‌های مالی و تجاری ۷/۱ شغل و در بخش‌های صنعت ساخت و خدمات به ترتیب ۳/۱ و ۳ شغل در کل استان یزد بوجود آمده است.
- دهقان (۱۳۸۰) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد تحت عنوان «نقش اشتغال در کاهش مهاجرت‌های روستایی (مطالعه موردی دهستان مشایخ شهرستان ممسنی)» به این نتیجه رسیده است که مهاجرت یکی از معضلات مهم است که ریشه اصلی آن در نبود اشتغال و بیکاری در روستاها می‌باشد و فقدان فرصت‌های شغلی مناسب در بخش‌های کشاورزی و غیر کشاورزی، مهمترین عامل تأثیرگذار در مهاجرت روستاییان ناحیه به شمار می‌رود و بین وجود امکانات زیربنایی و مهاجرت؛ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، یعنی هرچه خدمات بیشتر باشد، مهاجرت بیشتر است.
- شایان (۱۳۸۰) در پژوهشی راجع به تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دو دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به این نتیجه رسیده که گرچه در استان، کاهش رشد سالانه اشتغال تحولی منفی است، اما کاهش شدید رشد شاغلان خدماتی (۱۰۴/۸ درصد به ۳۰/۱ درصد) و رشد قابل ملاحظه شاغلان صنعتی (۹/۳ درصد به ۲۳/۸ درصد) تحولی مثبت تلقی می‌گردد و در قلمرو وسیعی از استان

می‌توان با تدارک زیرساخت‌های لازم در بخش روستایی- کشاورزی امکان رشد و توسعه توأمان سایر بخش‌ها را نیز فراهم کرد.

- امینی (۱۳۸۱) در تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار در سطح ۱۴ بخش اقتصادی متوجه شد که تولید در همه زیربخش‌های کشاورزی اثر مثبت و معناداری بر تقاضای نیروی کار داشته و در بین فعالیت‌های بخش کشاورزی، بیشترین کشش تولیدی اشتغال مربوط به جنگلداری و کمترین آن مربوط به بخش زراعت و دامپروری بوده است. وی نتیجه گرفت نیروی کار ماهر و سرمایه در تمامی بخش‌ها از جمله بخش کشاورزی، مکمل یکدیگرند همچنین نیروی کار ماهر و غیرماهر در بخش‌های تولیدی، یعنی کشاورزی و صنعت، جانشین یکدیگر و در بخش‌های خدماتی مکمل یکدیگر بودند.

- کهزادی و بلالی (۱۳۸۱) رابطه مثبت میان نرخ انباشت سرمایه را با اشتغال در بخش کشاورزی در درازمدت تأیید کردند و اذعان داشتند در مسیر رسیدن به تعادل درازمدت، افزایش در مقدار موجودی سرمایه، باعث افزایش اشتغال خواهد شد.

- قدیری معصوم و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان به این نتیجه رسیده‌اند که روند اشتغال در روستاهای استان، تابعی از روند کلی اشتغال در سطح کشور بوده و طی سرشماری‌های گذشته سیر نزولی داشته است و توزیع اشتغال در بخش‌های اقتصادی از کشاورزی به سمت خدمات و صنعتی سوق داده شده است.

۵- نظریات و سیاست‌های اشتغال

یکی از اهداف کلان توسعه در اغلب کشورها و از جمله کشور ما، کاهش بیکاری و توسعه فعالیت‌های شغلی است. مسائل مربوط به اشتغال و بیکاری امروزه به طور وسیعی در مباحث اقتصادی اعم از کشورهای در حال توسعه و کشورهای پیشرفته صنعتی مطرح می‌باشند. مسائل فوق زمانی که ابعاد آنها با مسائل اجتماعی در می‌آمیزد، اهمیت بالاتری به خود می‌گیرد. مشکل ناشی از پدیده بیکاری و عدم اشتغال علاوه بر اینکه مشکلات اقتصادی را بدنبال دارد، منشاء بروز اختلالات رفتاری و کرداری در سطح جامعه و همچنین بروز تنش‌های سیاسی می‌گردد که سلامتی یک جامعه را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. در زیر به نظریه برخی از

اقتصاددانان در مورد اشتغال و بیکاری اشاره شده است.

کارل مارکس که جریانات اقتصادی را به لحاظ سیر تاریخی مطالعه می‌کند، تأثیر تغییرات فنی را به طور ادواری در میزان اشتغال مورد تأکید قرار می‌دهد. وی معتقد است که پیدایش ماشین در جریان تولید، سرمایه‌ای را برای اشتغال افراد؛ آزاد نمی‌کند بلکه قسمتی از سرمایه جاری را نیز به سرمایه ثابت تبدیل می‌کند که در این تبدیل وضع سهم کارگران از سرمایه جاری نیز رو به تنزل نسبی می‌رود. در نظریه کلاسیک‌ها، عرضه و تقاضای نیروی کار، تابعی از دستمزد و انجام اشتغال کامل در گرو سیاست‌های پولی و مالی است (قره‌باغیان، ۱۳۷۲: ۱۵۲).

نئوکلاسیک‌ها علاوه بر موارد مذکور، بحث انتظارات عقلانی را وارد الگوی اقتصاد کلاسیک‌ها می‌کنند و سیاست‌های پیش‌بینی شده در کوتاه مدت را علت تغییر تولید و اشتغال در نظر می‌گیرند. نظریه چرخش واقعی تجاری به عوامل صرف عرضه اقتصاد اهمیت بیشتری می‌دهد و برخلاف نظریه کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها، مؤلفه‌هایی از قبیل شوک‌های تکنولوژیکی، تغییر در شرایط محیطی، قیمت‌های نسبی مواد خام وارداتی و طرح‌های مالیاتی را در اشتغال‌زایی مؤثر می‌داند (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

در کشورهای جهان سوم، روندهای توسعه با ایجاد فرصت‌های شغلی همراه نبوده و عواملی نظیر ساخت اقتصادی- اجتماعی، شیوه برنامه‌ریزی‌ها و اجرای آن‌ها؛ مهم‌ترین منابع ایجاد اختلاف درآمدها و سطوح زندگی در شهرها و روستاها بوده است (فنی، ۱۳۷۵: ۶).

اشتغال مثل بیشتر مسائل اقتصادی دارای دو بخش عرضه و تقاضا است. بخش عرضه ناشی از تحولات جمعیتی شامل: نرخ رشد جمعیت، مهاجرت‌ها و سطح آموزش در جامعه می‌باشد و بخش تقاضا متأثر از میزان فعالیت و رشد بخش‌های مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، صنعت و خدمات می‌باشد (مهدوی عادل، ۱۳۸۰: ۹۲).

اقتصاددانان در اعصار مختلف سعی داشتند که علل بیکاری و چگونگی ایجاد اشتغال را توضیح دهند. در میان اقتصاددانان اولیه، جیم استوارت (۱۷۶۷م.) اختراعات را عامل بیکاری می‌دانست اما ژان باتیست با توجه به نظریه معروف خود تحت عنوان «عرضه، تقاضای خود را به دنبال می‌آورد»، معتقد بود که اختراع ماشین‌آلات، لزوماً به کاهش اشتغال منجر نمی‌شود (نیونی، ۱۳۸۴: ۸).

توجه به بخش‌های اقتصادی با توانمندی بالا، جهت ایجاد اشتغال راهکاری برای خروج از

بیکاری می‌باشد. پرداختن و تمرکز روی بخش‌هایی از اقتصاد که توان ایجاد سطح بالایی از اشتغال را دارد، اصلی‌ترین کلید حل معمای اشتغال در ایران است. عنایت به صنعت مسکن و پروژه‌های عمرانی، صنعت فناوری اطلاعات، صنعت خودرو، صنعت توریسم و اکوتوریسم، توسعه پیمانکاری عمومی و بخش انرژی، از مهمترین این زمینه‌هاست. از عوامل مؤثر در اشتغال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- توانمندسازی جمعیت (آموزش نیروی کار)؛
- ۲- بهره‌گیری پایدار از منابع؛
- ۳- توجه به توسعه و مشارکت بخش خصوصی؛
- ۴- تشویق به سرمایه‌گذاری و برقراری تسهیلات بانکی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی؛
- ۵- بازنگری در قوانین حاکم بر بازار کار؛
- ۶- اولویت دادن به فناوری کاربر تولید و راهبرد توسعه مبتنی بر صنعت، به خصوص صنایع کوچک و متوسط مقیاس؛
- ۷- ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در کنار بخش کشاورزی؛
- ۸- ایجاد صنایع کوچک و صنایع دستی در روستاها؛ به خصوص توجه به صنایع دستی، چون با حداقل هزینه می‌توان یک ظرفیت شغلی ایجاد نمود؛
- ۹- جایگزینی نیروی کار داخلی به جای نیروی کار اتباع خارجی و ترتیب دادن اخراج کارگران خارجی؛
- ۱۰- توجه به صنعت توریسم و اکوتوریسم؛
- ۱۱- استفاده از تکنولوژی سازگار؛
- ۱۲- توسعه ارتباطات جهت دستیابی به بازار؛
- ۱۳- تکوین سازمان مناسب یکی از عمده‌ترین ملزومات اساسی جهت دستیابی به توسعه اشتغال محسوب می‌شود.

به دلیل پیچیدگی پدیده بیکاری، عوامل گوناگونی در بوجود آمدن آن تأثیر دارند که با توجه به شرایط زمانی و همچنین جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی هر کشور، متفاوت می‌باشد. علل بیکاری در دهه‌های اخیر کشور را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

- ۱- رشد روز افزون جمعیت؛

- ۲- افزایش عرضه نیروی کار؛
- ۳- پایین بودن ظرفیت‌های تولید؛
- ۴- کمبود سرمایه‌گذاری؛
- ۵- افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها؛
- ۶- افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی؛
- ۷- پدیده چند شغلی بودن نیروی کار شاغل؛
- ۸- مکانیزه شدن کشاورزی و رها شدن نیروی انسانی مازاد بخش کشاورزی و مهاجرت روستائیان به شهرها؛
- ۹- کسب درآمد بیشتر در بخش‌های دیگر اقتصاد (صنعت و خدمات) نسبت به بخش کشاورزی؛
- ۱۰- اشتغال به کار غیرقانونی تعداد کثیری از اتباع خارجی در ایران؛
- ۱۱- واردات بی‌رویه اجناس خارجی.

۶- نسبت میزان فعالیت (نرخ مشارکت اقتصادی) در ایران

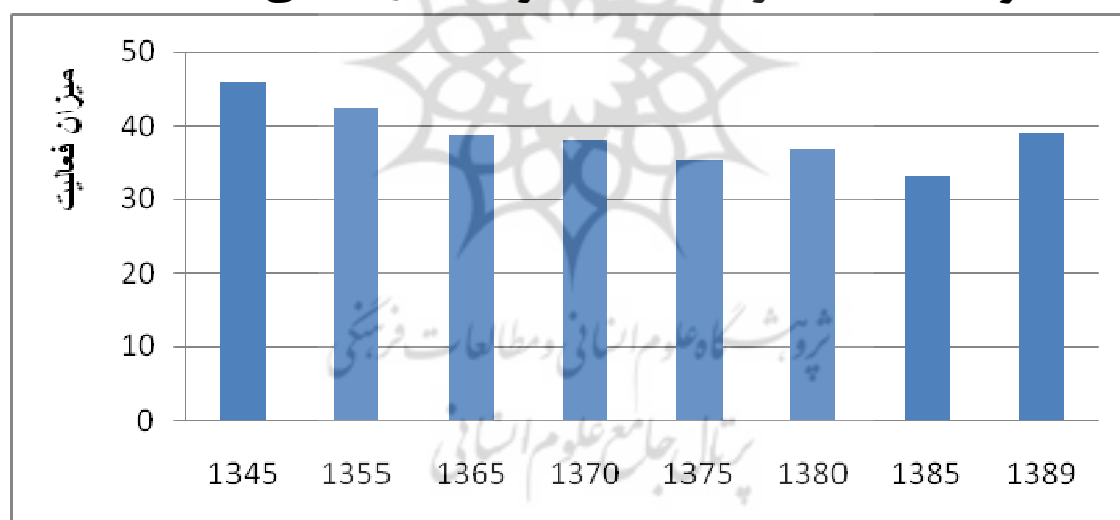
متناسب با افزایش جمعیت کشور در طی سال‌های ۸۹ - ۱۳۴۵ شاخص‌های مرتبط با جمعیت و اشتغال نیز تغییرات گسترده‌ای پیدا کرده است. اگر چه تعداد بیکاران و سهم بیکاری در دوره مزبور علیرغم نوسانات چشمگیر از رشد مثبتی برخوردار بوده‌اند، اما نسبت میزان فعالیت (نسبت جمعیت فعال به کل جمعیت) از ۴۶/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۶/۹ درصد در سال ۱۳۸۰، ۳۳/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۳۹ درصد در سال ۱۳۸۹ کاهش یافته است. جمعیت بالای ده سال کشور را می‌توان به دو دسته جمعیت فعال از نظر اقتصادی و جمعیت غیرفعال تقسیم نمود. جمعیت فعال که شامل شاغلان و بیکاران می‌باشد، در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۳۴۸۶۶۹۰ نفر از کل جمعیت کشور را شامل می‌گردد و بقیه (۳۵۵۳۷۸۹۶ نفر) نیز جمعیت غیرفعال بوده‌اند.

جدول شماره (۱): نسبت میزان فعالیت در ایران در دوره زمانی ۸۹ - ۱۳۴۵

سال	نسبت میزان فعالیت (درصد)	تعداد جمعیت فعال
۱۳۴۵	۴۶/۱	۷۸۴۲۰۰۰
۱۳۵۵	۴۲/۶	۹۷۹۶۰۰۰
۱۳۶۵	۳۸/۹	۱۲۸۲۰۰۰۰
۱۳۷۰	۳۸/۱	۱۴۷۳۵۰۰۰
۱۳۷۵	۳۵/۳	۱۶۰۲۵۰۰۰
۱۳۸۰	۳۶/۹	۱۹۱۴۰۰۰۰
۱۳۸۵	۳۳/۲	۲۳۴۸۶۰۰۰
۱۳۸۹	۳۹	۲۴۲۰۴۲۰۱

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹)

نمودار (۱): نسبت میزان فعالیت در ایران در دوره زمانی ۸۹ - ۱۳۴۵



۷- بیکاری

بیکاری پدیده‌ای است که مخاطرات فراوانی برای جوامع انسانی در بر دارد و زمینه‌ساز فساد و تباهی در جامعه است. بنابراین افزایش نرخ بیکاری، آن هم بیکاری که تأمین اجتماعی و مقرری ماهیانه به دنبال آن وجود ندارد، جامعه را به طرف فقر و فساد سوق خواهد داد. در مجموع می‌توان از این پدیده به عنوان بحران‌زاترین پدیده اجتماعی یاد کرد که دولت مجبور است در راستای این معضل سرمایه‌گذاری مناسب و بهینه انجام دهد (حسینی ابری، ۱۳۸۳: ۲۰۴). جمعیت

ایران از منظر فعالیت به گونه‌ای است که اولاً بخش کشاورزی توان اشتغالزایی اندکی دارد و حتی با مازاد نیرو مواجه است. ثانیاً اشتغال ایجاد شده عمدتاً شهری بوده (نظری، ۱۳۷۷: ۱۶۴-۱۵۹)؛ ثالثاً بهره‌وری نیروی کار پایین است. بایستی به این مسئله توجه داشت که مشکلات اشتغال و بیکاری از ابعاد کمی آن بسیار گسترده‌تر است و مشکلاتی نظیر توزیع نامتناسب جغرافیایی نیروی کار متخصص و ماهر و تمرکز آن‌ها در چند شهر بزرگ کشور (تهران، اصفهان و تبریز)، پایین بودن میزان بهره‌وری نیروی کار، عدم رابطه منطقی بین حقوق بگیران و بهره‌وری کار آن‌ها، عدم رابطه منطقی بین هزینه زندگی با درآمدهای حاصل از کار شاغلان، خروج تعداد زیادی از نیروی کار متخصص (فرار مغزها) از کشور، اشتغال به کار غیرقانونی تعداد کثیری از اتباع خارجی در ایران، وجود تعداد کثیری از بیکاران تحصیلکرده و ... هم اکنون از جمله مسائلی است که بایستی در برنامه‌ریزی‌های توسعه فعالیت‌های شغلی مدنظر قرار گیرد؛ به ویژه با توجه به اینکه شهرهای ایران در شرایط فعلی از نظر تأمین آب، تأمین خدمات و ... و از همه مهمتر ایجاد اشتغال، توان پذیرش جمعیت بیش از حد فعلی را ندارند. ولی متأسفانه مهاجرت‌های بی‌رویه از روستاها به شهرها همچنان ادامه دارد که این عوامل به افزایش حاشیه‌نشینی و تبعات آن در کلان شهرهای کشور منجر شده است. لذا با توجه به گستردگی ابعاد مسأله مهاجرت، پرداختن به آن در این مقاله ممکن نبوده و تنها به مطالب فوق اکتفا می‌گردد.

۷-۱- نرخ بیکاری در ایران

بررسی نرخ بیکاری در کشور نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۹، ۱۴/۶ درصد از جمعیت فعال، بیکار بوده‌اند. بر اساس این نتایج، نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری کل کشور نشان می‌دهد که این شاخص، نسبت به سال‌های گذشته سیر صعودی را طی می‌کند و مرتباً در حال افزایش است. بررسی نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله حاکی از آنست که ۲۹/۶ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است که این شاخص نسبت به سال ۱۳۸۵، ۷/۲ درصد افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹). نرخ بیکاری عبارتست از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضربدر ۱۰۰.

بنابراین میزان نرخ بیکاری در ایران در سال ۱۳۸۹ برابر است با ۱۴/۶ درصد.

$$\frac{3525640}{24204201} * 100 = \frac{14}{6}$$

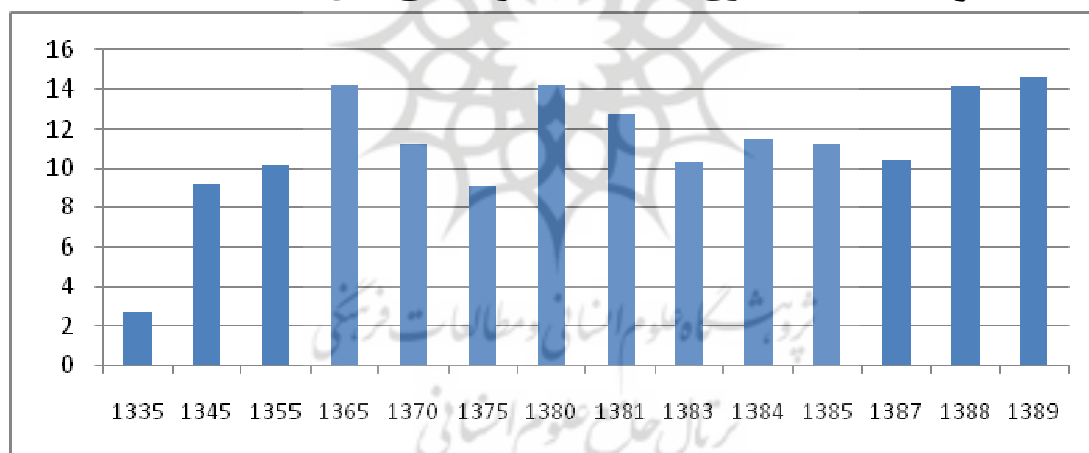
با چنین روندی پیش‌بینی می‌شود میزان نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۰ به ۱۵/۹ درصد برسد.

جدول شماره (۲): نرخ بیکاری در ایران در دوره ۸۹-۱۳۳۵

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹
نرخ بیکاری	۲/۷	۹/۲	۱۰/۲	۱۴/۲	۱۱/۲	۹/۱	۱۴/۲	۱۲/۸	۱۰/۳	۱۱/۵	۱۱/۲	۱۰/۴	۱۴/۱	۱۴/۶
نرخ بیکاری گروه سنی ۲۴-۱۵	-	-	۱۳/۲	۲۴/۹	۲۱/۸	۱۹/۲	۳۳/۶	۲۸/۲	۲۴	۲۳/۲	۲۳/۳	۲۳	۲۲/۴	۲۹/۶

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹)

نمودار شماره (۲): نرخ بیکاری در ایران طی سال‌های ۸۹-۱۳۳۵



کارشناسان بازار کار بر نحوه محاسبه نرخ بیکاری توسط مرکز آمار ایران نیز نقدهای جدی را وارد می‌کنند، به نحوی که آنها هیچ‌گاه نپذیرفتند که کار ۲-۱ روز افراد در طول هفته آنان را جزو شاغلین محسوب کند که این مسئله در زمینه شاغل دانستن بسیاری از مشاغل کاذب نیز صدق می‌کند. با توجه به اینکه وزارت کار و امور اجتماعی حداقل دستمزد برای سال جاری را ماهانه ۲۲۰ هزار تومان اعلام کرده است و با احتساب اینکه هر ماه حداکثر ۵ هفته می‌باشد، پس حداقل دستمزد در هر هفته ۴۴ هزار تومان خواهد بود، که ناگفته پیداست این درآمد برای کمتر کسی در جامعه ایران متصور است و با کمی تأمل و خردورزی به غیر منطقی بودن این شاخص

اشتغال می‌توان پی برد.

نرخ بیکاری جوانان ۲۹ - ۱۵ ساله نیز حاکی از آن است که ۲۰/۴ درصد از جمعیت فعال ۲۹ - ۱۵ ساله بیکار بوده‌اند. این شاخص در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بیشتر بوده است. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری جوانان ۲۹ - ۱۵ ساله کل کشور نشان می‌دهد که این شاخص نسبت به سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۰/۲ و ۰/۴ درصد کاهش و نسبت به سال ۱۳۸۶، ۰/۴ درصد افزایش یافته است.

۲-۲- نرخ بیکاری در استان‌های کشور

بررسی مقایسه نرخ بیکاری در استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۸۹ تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد؛ بطوریکه استان‌های خراسان شمالی، مرکزی، آذربایجان شرقی و مازندران به ترتیب با ۵/۴، ۱۰/۳، ۱۰/۴ و ۱۰/۵ درصد دارای کمترین میزان نرخ بیکاری و استان‌های فارس، لرستان، اردبیل و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با ۲۱/۳، ۱۶/۱، ۱۵ و ۱۴/۹ درصد دارای بیشترین میزان نرخ بیکاری می‌باشند. همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، نرخ بیکاری کشور در سال ۱۳۸۵ طبق آمار رسمی مرکز آمار ۱۱/۲ درصد بوده است و در حال حاضر طبق آمار سه ماهه اول سال جاری، نرخ بیکاری به ۱۴/۶ درصد رسیده که نسبت به سال ۱۳۸۵ میزان آن ۳/۴ درصد افزایش داشته است که حاکی از میزان بالای بیکاری در کشور می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر چند نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۵ در برخی استان‌ها از جمله سیستان و بلوچستان، لرستان، ایلام، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، خوزستان و چهارمحال و بختیاری کاهش محسوسی را نشان داده، اما در استان‌هایی مثل فارس، اردبیل، تهران، بوشهر، یزد و قم به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. با توجه به تغییرات حاصل شده در نرخ بیکاری استان‌ها می‌توان اینگونه بیان کرد که نرخ بیکاری استان‌های محروم (همانطور که در بالا اشاره شد)، کاهش محسوسی داشته است. به طور مثال نرخ بیکاری استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۵ از ۳۱/۵٪ به ۱۱/۵٪ در سال ۱۳۸۹ رسیده که کاهش ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد و نرخ بیکاری آن ۳ برابر تقلیل یافته است. ولی در مقابل آن نرخ بیکاری استان فارس در سال ۱۳۸۵ از ۱۱/۲٪ به ۲۱/۳٪ در سال ۱۳۸۹ رسیده که افزایش تقریباً دو برابر را داشته است. تنها نرخ بیکاری استان مرکزی در هر دو دوره ثابت مانده و استان‌های دیگر

نیز تغییراتی را به خود دیده‌اند. با استناد به آمار نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۹ و با وجود تغییرات حاصل شده در نرخ بیکاری این سال باز اختلاف زیادی بین استان‌های کشور به چشم می‌خورد و دارای عدم تعادل می‌باشد که نیازمند توجه و ضرورت برنامه‌ریزی در جهت کاهش بیکاری با توجه به جایگاهی که استان‌ها در کشور دارند را می‌طلبد. با توجه به نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ مبادرت به سطح‌بندی استان‌ها به صورت جداگانه در دو دوره ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹ گردید و با استفاده از نرم‌افزار ARC/GIS بر روی نقشه گویاسازی شد. جهت سطح‌بندی از فرمول پیشنهادی استورگس^۱ استفاده شده که این فرمول به شرح زیر می‌باشد.

$$i = \frac{R}{1 + 3.3 \log N}$$

که در این معادله:

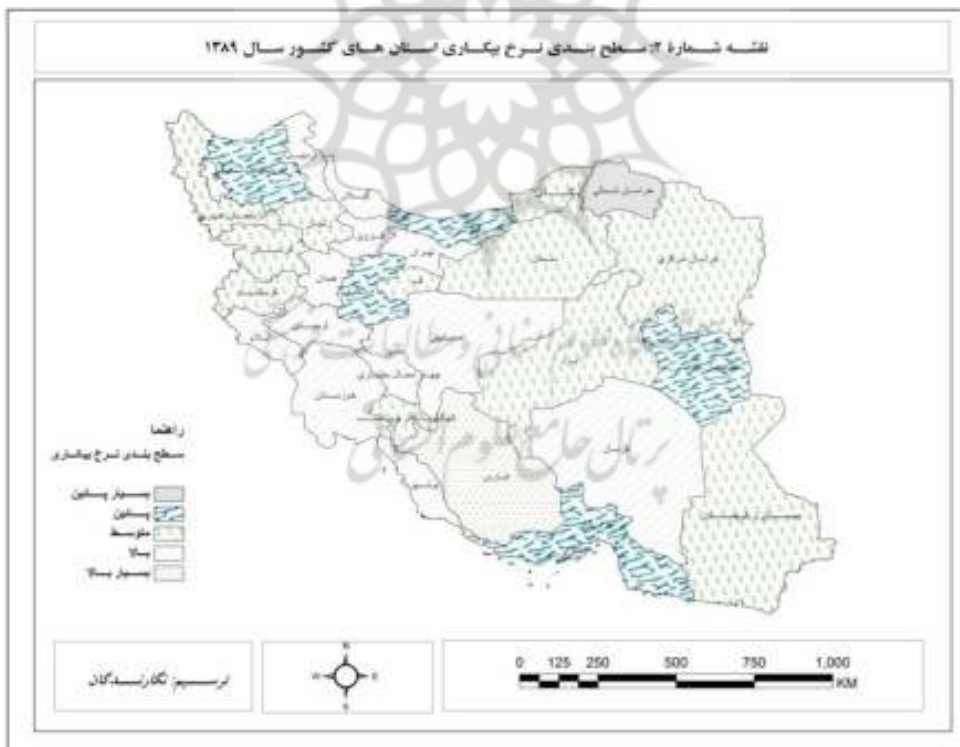
i = فاصله طبقاتی، N = تعداد استان‌ها و R = دامنه.

$R = \text{Max_Min}$ (که عبارت است از تفاوت بالاترین نرخ بیکاری و پایین‌ترین نرخ بیکاری موجود در سال‌های مورد مطالعه، که سطوح توسعه بر اساس این امتیازات سطح‌بندی شده است). نتایج حاصل از فرمول حکایت از طبقه‌بندی استان‌های کشور در ۵ سطح بسیار پائین، پائین، متوسط، بالا و بسیار بالا دارد که در جدول شماره ۳ سطوح بیکاری استان‌ها آورده شده است. و نقشه شماره ۱ سطح‌بندی نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ و نقشه شماره ۲ سطح‌بندی نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال ۱۳۸۹ را نمایش می‌دهند. با این اوصاف نرخ بیکاری در کشور رقم بالایی را نسبت به کشورهای توسعه یافته و بیشتر کشورهای در حال توسعه دارد و دلیل آن رشد روز افزون جمعیت و افزایش عرضه نیروی کار و همچنین پایین بودن ظرفیت‌های تولید می‌باشد.

جدول شماره (۳): میزان نرخ بیکاری در استانهای مختلف کشور در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹

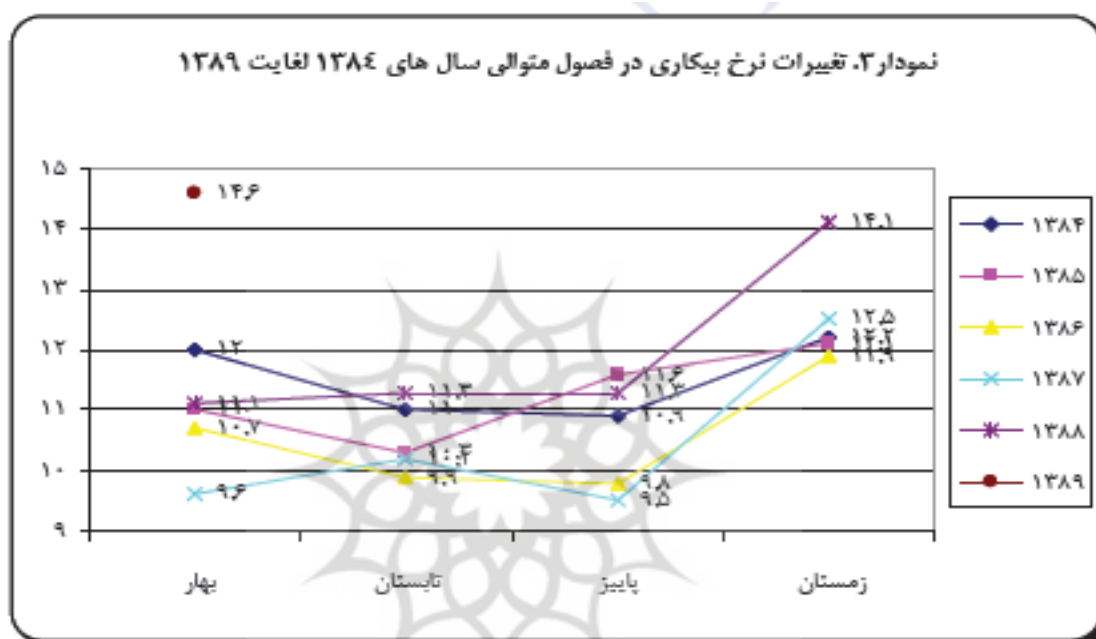
ردیف	استان	نرخ بیکاری سال	سطح بندی نرخ	نرخ بیکاری سال	سطح بندی نرخ
۱	کل کشور	۱۱/۲	-----	۱۴/۶	-----
۲	آذربایجان شرقی	۹/۶	بسیار پایین	۱۰/۴	پایین
۳	آذربایجان غربی	۸/۸	بسیار پایین	۱۱/۵	متوسط
۴	اردبیل	۱۱/۳	بسیار پایین	۱۵	بالا
۵	اصفهان	۱۰/۵	بسیار پایین	۱۴/۶	بالا
۶	ایلام	۲۷/۱	بسیار بالا	۱۳/۹	بالا
۷	بوشهر	۹	بسیار پایین	۱۴/۶	بالا
۸	تهران	۸/۴	بسیار پایین	۱۴/۶	بالا
۹	چهارمحال و	۱۸	متوسط	۱۴/۹	بالا
۱۰	خراسان جنوبی	۱۲/۸	پایین	۱۰/۶	پایین
۱۱	خراسان رضوی	۸/۲	بسیار پایین	۱۱/۸	متوسط
۱۲	خراسان شمالی	۷/۹	بسیار پایین	۵/۴	بسیار پایین
۱۳	خوزستان	۱۹/۳	بالا	۱۴/۲	بالا
۱۴	زنجان	۹/۳	بسیار پایین	۱۰/۹	متوسط
۱۵	سمنان	۸/۴	بسیار پایین	۱۱/۳	متوسط
۱۶	سیستان و	۳۱/۵	بسیار بالا	۱۱/۵	متوسط
۱۷	فارس	۱۱/۲	بسیار پایین	۲۱/۳	بسیار بالا
۱۸	قزوین	۱۰/۸	بسیار پایین	۱۳/۸	بالا
۱۹	قم	۸	بسیار پایین	۱۲/۴	متوسط
۲۰	کردستان	۲۰/۱	بالا	۱۱/۲	متوسط
۲۱	کرمان	۲۱	بالا	۱۴/۶	بالا
۲۲	کرمانشاه	۲۳/۲	بسیار بالا	۱۳/۴	متوسط
۲۳	کهگیلویه و	۱۹/۶	بالا	۱۲	متوسط
۲۴	گلستان	۱۲/۳	پایین	۱۱/۴	متوسط
۲۵	گیلان	۱۴/۹	پایین	۱۳/۸	بالا
۲۶	لرستان	۲۹	بسیار بالا	۱۶/۱	بالا
۲۷	مازندران	۱۰/۸	بسیار پایین	۱۰/۵	پایین
۲۸	مرکزی	۱۰/۳	بسیار پایین	۱۰/۳	پایین
۲۹	هرمزگان	۱۲/۱	پایین	۱۰/۸	پایین
۳۰	همدان	۱۲/۲	پایین	۱۴/۳	بالا
۳۱	یزد	۷/۸	بسیار پایین	۱۱/۹	متوسط

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و بهار ۱۳۸۹)



۳-۷- نرخ بیکاری در فصول مختلف

با توجه به نمودار شماره (۴) بالاترین نرخ بیکاری در فصل زمستان و کمترین نرخ بیکاری در فصل تابستان می‌باشد که نرخ بالای بیکاری در فصل زمستان دلایل زیادی دارد از جمله: سرد شدن هوا، بارش‌های جوی، تعطیلی کارهای کشاورزی و در نتیجه بیکار شدن کشاورزان روستایی و تعطیلی کارهای ساختمانی.



۸- اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی در کل کشور

تقسیم نیروی کار به مشاغل مختلف در هر کشور اشاره زیادی به پیشرفت اقتصادی است که آن کشور به دست آورده است. کولین کلارک^۱ فعالیت اقتصادی را در سه بخش عمده به شرح زیر طبقه‌بندی کرده است:

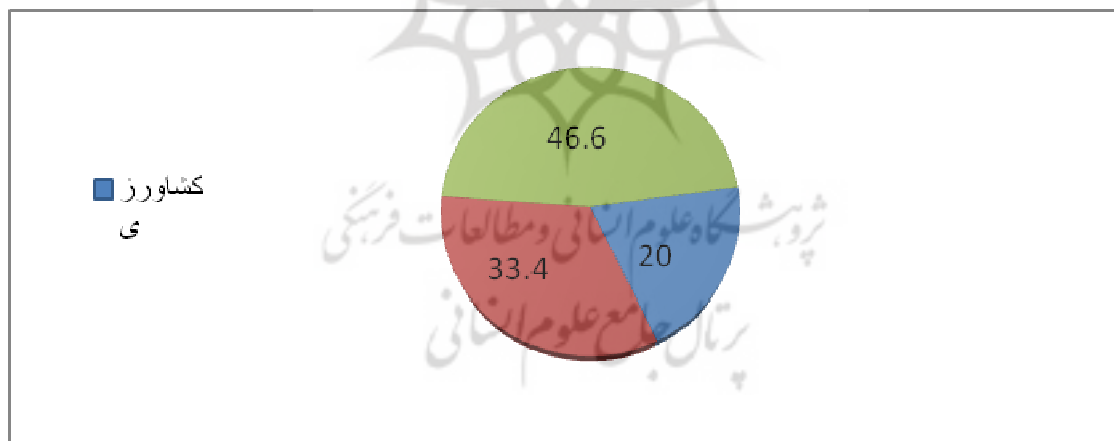
- بخش اول کشاورزی که شامل مشاغل کشاورزی، دامپروری، صید، شکار، جنگلداری و ... می‌باشد.
- بخش دوم شامل مشاغل مربوط به تغییر شکل دادن مواد اولیه که شامل صنایع و معادن می‌باشد.

- بخش سوم شامل مشاغل مربوط به خدمات، امور حمل و نقل، بازرگانی می باشد (دهقان، ۱۳۸۸: ۶۳).

کولین کلارک و ژان فوراسته^۱ اقتصاددانان فرانسوی معتقدند که میزان توسعه و پیشرفت اقتصادی هر جامعه‌ای با تعداد کسانی که در هر یک از سه بخش به فعالیت مشغولند، بستگی دارد. اگر در جامعه‌ای شاغلین گروه اول یعنی کشاورزی و مشاغل مربوط به آن بیشتر از سایر گروه‌ها باشد، جامعه کشاورزی است و اگر تعداد شاغلین بخش صنعت بیشتر از سایر گروه‌ها باشد، جامعه کلاً صنعتی است. هرچه رشد اقتصادی از آهنگ سریعی برخوردار باشد، جمعیت فعال با سرعت بیشتری از کشاورزی به سوی صنعت و خدمات کشیده می‌شوند (جوان، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که بخش خدمات با ۴۶/۵ درصد، بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۳۳/۴ درصد و کشاورزی با ۲۰ درصد قرار دارند.

نمودار شماره (۴): بررسی اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی



منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹)

۸-۱- بخش کشاورزی

کشاورزی یکی از بخش‌های مهم و توانای اقتصاد کشور به شمار می‌آید که به رغم فراهم نبودن برخی الزامات پایه‌ای، با توجه به شرایط موجود جهانی به ناگزیر باید برای مقابله با چالش اشتغال

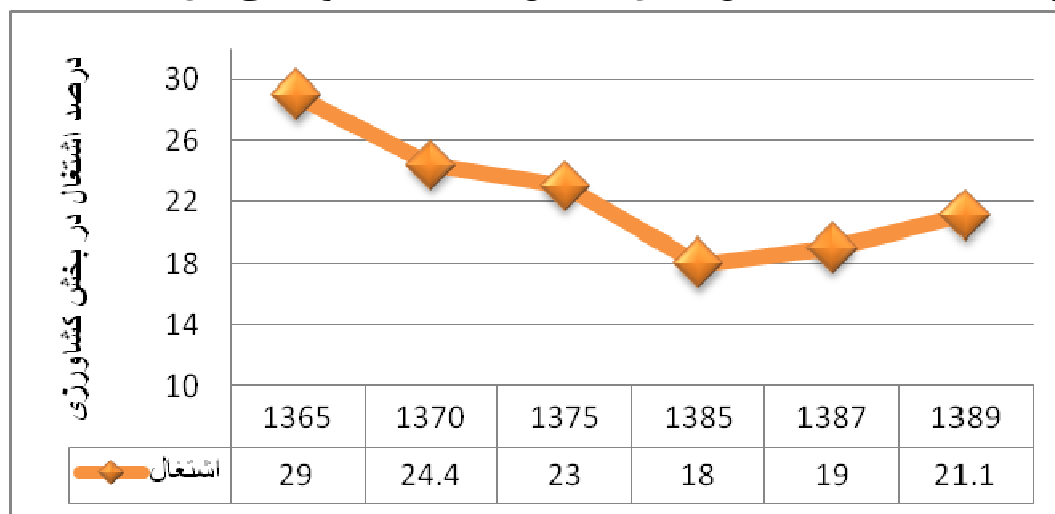
در کشور از آن مدد گرفت. پایه و اساس تمام پیشرفت‌های بشر از دوره‌های اولیه تا امروزه مربوط به فعالیت‌های کشاورزی بوده و زیربنای تمام بخش‌های اقتصادی (صنعت، خدمات و....) فعالیت‌های بخش کشاورزی است (منصوری سلح‌چینی، ۱۳۸۵: ۲۴). این بخش با توجه به چندین دهه سیاست صنعتی شدن و تقویت دیگر بخش‌های اقتصاد همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد و در حال حاضر نیز تأمین‌کننده ۲۰ درصد اشتغال و بیش از ۸۰ درصد نیازهای غذایی است (فخاران، ۱۳۸۲: ۷). بخش کشاورزی در مراحل اولیه فرآیند توسعه اقتصادی نقش مهمی را ایفا نموده است تا جایی که تأمین‌کننده تقاضاهای فزاینده برای محصولات کشاورزی، تأمین بخش مهمی از نیروی انسانی مورد نیاز صنعت و تأمین سرمایه مورد نیاز صنایع و هزینه زیربنای اجتماعی و توسعه روستایی به عهده بخش کشاورزی است (افتخاری، ۱۳۷۷: ۳۶۱). تا جایی که می‌توان گفت؛ رشد اقتصادی بدون توسعه کشاورزی امکان‌پذیر نیست و بعنوان ثروت هر مملکت به حساب می‌آید. از لحاظ درصد اشتغال در این بخش در سطح کشور استان‌های اردبیل، خراسان شمالی و زنجان به ترتیب با ۴۰، ۳۷/۵ و ۳۵ درصد ماکزیمم درصد اشتغال در بخش کشاورزی و استان‌های تهران، قم و یزد به ترتیب با ۳، ۶ و ۱۲/۵ درصد کمترین درصد اشتغال در بخش کشاورزی را دارند. جدول شماره (۴) و نمودار شماره (۵) درصد اشتغال در بخش کشاورزی طی دوره ۸۵-۱۳۶۵ را نمایش می‌دهد.

جدول شماره (۴): درصد اشتغال در بخش کشاورزی در دوره ۸۵ - ۱۳۶۵

سال	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۸۷	۱۳۸۹
درصد اشتغال در بخش	۲۹	۲۴/۴	۲۳	۱۸	۱۹	۲۱/۱

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

نمودار شماره (۵): درصد کاهش اشتغال در بخش کشاورزی در ایران طی سال های ۸۹ - ۱۳۶۵



منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹)

با توجه به روند کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و افزایش جمعیت و نیروی فعال انسانی در روستاها باید چاره‌ای اندیشیده شود و اگر نه، شاهد مهاجرت هر چه بیشتر روستاییان به مناطق شهری خواهیم بود و با توجه به اینکه اکثریت روستاییان فاقد هر گونه تخصصی هستند و در شهر به مشاغل کاذب روی می‌آورند که این خود مسائل و مشکلات گوناگونی را به همراه دارد، بنابراین باید با برنامه‌ریزی اصولی در جهت کاهش هر چه بیشتر مشکلات روستاییان کوشا بود که یکی از این راه‌ها ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در کنار بخش کشاورزی و بوجود آوردن صنایع کوچک و دستی در روستاها است که در این مورد به یک مثال اکتفا می‌کنیم: مثلاً گوجه فرنگی در روستاهای چهارمحال و بختیاری بدست می‌آید ولی کارخانه رب گوجه‌فرنگی در شهر اصفهان قرار دارد که نشان‌دهنده عدم برنامه‌ریزی درست و اصولی است که از یک جهت کرایه حمل و نقل و ناهنجار کردن چهره شهر را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر اگر این کارخانه در همان محل تولید گوجه‌فرنگی احداث می‌شد، باعث ایجاد مشاغل برای روستاییان منطقه شده و از طرفی باعث عدم مهاجرت روستاییان به شهرها می‌گردد.

۸-۲- بخش صنعت

بخش صنعت، افزون بر کارکردهایی که در زمینه ایجاد اشتغال مستقیم بر عهده می‌گیرد، به لحاظ توانمندی در اشتغال‌زایی غیرمستقیم در سایر بخش‌های اقتصادی و کاهش شدت بیکاری

از این طریق، با اهمیت است. طبق گفته هیرشمن، به دلیل محدود بودن عامل سرمایه، سرمایه‌گذاری باید در بهترین گزینه و در بخش‌های منتخب اقتصادی که منجر به رشد اقتصادی و همچنین، کاهش بیکاری می‌شود؛ صورت گیرد (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۴۵). با در نظر گرفتن این ملاحظات، لازم است افزون بر سنجش قابلیت اشتغالزایی مستقیم صنایع، توانایی صنایع مختلف در ایجاد اشتغال غیرمستقیم، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، تا با توجه به آن رویکردهای اشتغالزایی در بخش‌های مختلف صنعتی، قادر به تأمین اشتغال و کاهش سریع‌تر شدت بیکاری موجود در کشور باشد.

پس از فعالیت‌های درجه اول یعنی کشاورزی و غیره، صنعت دومین عامل اشتغال از حیث نیروی کار محسوب می‌شود. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ به لحاظ درصد اشتغال در این بخش در سطح کشور استان‌های چهارمحال و بختیاری، قم و یزد به ترتیب با ۴۳/۸، ۴۳ و ۴۲/۹ درصد ماکزیمم درصد اشتغال در بخش صنعت و استان‌های اردبیل، ایلام و بوشهر بترتیب با ۲۲/۵، ۲۲/۸ و ۲۳/۷ درصد کمترین درصد اشتغال در بخش صنعت را دارند.

۸-۳- بخش خدمات

طبق آمار مرکز آمار در سال ۱۳۸۵ به لحاظ درصد اشتغال در این بخش در سطح کشور، استان‌های تهران، بوشهر و هرمزگان به ترتیب با ۶۳، ۶۰ و ۵۵ درصد ماکزیمم درصد اشتغال در بخش خدمات و استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان شمالی و زنجان به ترتیب با ۳۲، ۳۳/۲ و ۳۳/۵ درصد کمترین درصد اشتغال در بخش خدمات را دارند.

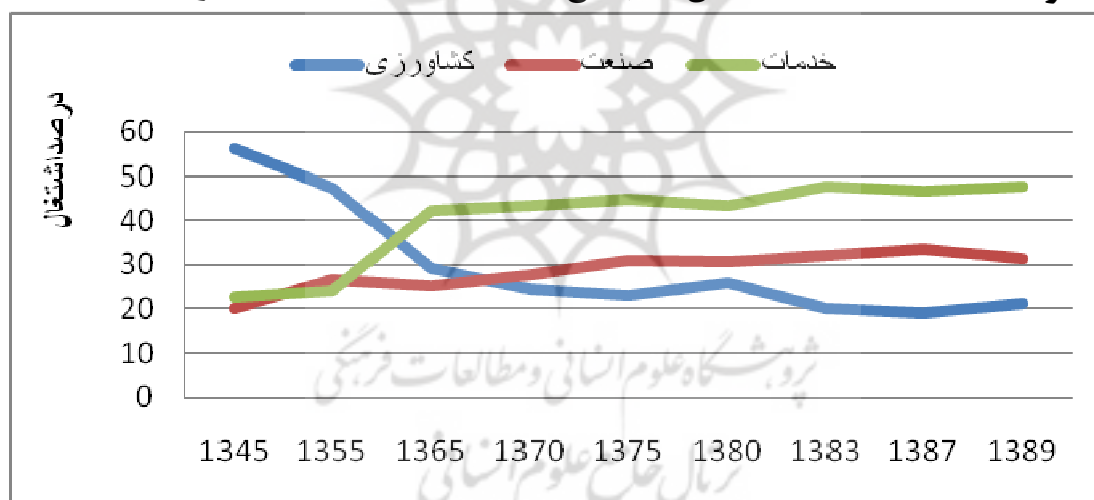
جدول شماره (۵) ساختار بخش اشتغال در دوره ۸۹-۱۳۴۵ را نشان می‌دهد. طبق این جدول در طی این برهه به تدریج از اشتغال در بخش کشاورزی کاسته شده و به اشتغال در دو گروه دیگر به ویژه خدمات افزوده شده است. به این ترتیب اشتغال در بخش کشاورزی که مهمترین بخش اشتغال و درآمد روستاییان به حساب می‌آید، با کاهش شدید مواجه بوده است که این امر دلایل متعددی دارد؛ از جمله مکانیزه شدن کشاورزی، کسب درآمد بیشتر در بخش‌های دیگر نسبت به بخش کشاورزی، وقوع خشکسالی، کاهش جمعیت روستایی کشور و ... (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹).

جدول شماره (۵): بررسی درصد اشتغال در گروه‌های فعالیت به تفکیک بخش‌های اقتصادی در دوره ۸۹-۱۳۴۵

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۳	۱۳۸۷	۱۳۸۹
بخشهای عمده فعالیت									
کشاورزی	۵۶,۳	۴۷,۵	۲۹	۲۴,۵	۲۳	۲۵,۸	۲۰	۱۹	۲۱/۱
صنعت	۲۰	۲۶,۵	۲۵,۳	۲۷,۶	۳۱	۳۰,۵	۳۲,۱	۳۳,۵	۳۱/۲
خدمات	۲۲,۶	۲۴	۴۲,۴	۴۳,۵	۴۴,۸	۴۳,۶	۴۷,۹	۴۶,۷	۴۷/۷

منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

نمودار شماره (۶) درصد اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی در دوره ۸۹-۱۳۴۵



منبع: (یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹)

۹- نقش و جایگاه نیروی انسانی در توسعه

تحولات جمعیت یکی از مهم‌ترین عواملی است که اگر مطابق با شرایط اقتصادی و منابع بالفعل جامعه صورت نگیرد، مشکلات متعددی را فراهم می‌کند. رشد سریع جمعیت با استفاده بیشتر از منابع، رشد اقتصادی را دچار وقفه نموده، فشار بر منابع طبیعی را افزایش داده است و پایداری توسعه را تهدید می‌نماید. تحولات جمعیتی در دهه‌های اخیر روند اقتصادی-اجتماعی را تحت

تأثیر قرار داده است. از جمله این روندها متأثر شدن بازار کار در اثر افزایش سریع جمعیت نیروی کار می‌باشد.

نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل اصلی تولید، نقش بسزائی در فرایند تولید دارد. پدید آورنده اصلی ثروت و محرک مستقیم اقتصاد، نیروی کار و جمعیت فعال هر جامعه خواهد بود، و سطح و میزان تولید ملی هر کشور نیز به دانش و آگاهی فنی و ظرفیت تولید جمعیت فعال آن بستگی دارد. به عبارت دیگر توسعه اقتصادی در هر کشور، در کنار عامل سرمایه و تکنولوژیکی به منابع انسانی کارآمد و متخصص نیاز دارد. میزان و درجه توانایی جمعیت فعال درجه رشد و پیشرفت اقتصادی جامعه را تعیین می‌کند (حسینی ابری، ۱۳۸۳: ۲۰۱).

یکی از مباحث مهم جهان در دهه‌های اخیر، بحث اشتغال نیروی کار است. هر کشوری به دنبال افزایش اشتغال نیروی کار خود جهت افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌باشد. به بیان دیگر نیروی کار، ابزاری مهم برای پیشرفت و توسعه کشورها است. تارو در کتاب رؤیای بزرگ، رشد کشورهایی همچون امریکا و ژاپن را ناشی از منابع انسانی آنها بیان کرده است (رسولی‌نژاد و نوری، ۱۳۸۸: ۸۸). در دنیای امروز که از هر لحاظ در حال پیشرفت است، انسان وسیله و هدف همه کوشش‌ها و فعالیت‌هاست و آنچه او را به فعالیت و می‌دارد، نیاز او می‌باشد که این نیاز می‌تواند فیزیکی یا روانی باشد و انسان در این زمینه سعی نموده با استفاده از مغز و دستان خود در جهت تأمین خواسته‌هایش و به کارگرفتن محیط و ایجاد تغییر و تحول در آن مجهز نماید (دیناروند، ۱۳۷۴: ۱۹). به گفته فردریک لیست، نیروی ثروت بی‌نهایت مهم‌تر از خود ثروت است. لیست در بررسی خود اهمیت عامل انسانی را بسیار بالا می‌برد و پرورش و رهبری درست آن را از ابزار سعادت و کسب قدرت ملت‌ها می‌داند (تهرانی، ۱۳۵۱: ۸۲).

در فرآیندهای مختلف جوامع انسانی در حقیقت این نیروی انسانی است که نقش اصلی و استراتژیک را بازی می‌کند. به عبارتی نقش عامل انسانی بیش از ۵۰ درصد است و مجموع سایر عوامل مؤثر در تولید و رشد اقتصادی به کمتر از نصف تقلیل می‌یابد (گلابی، ۱۳۶۸: ۴۹). پروفیسور تئودور شولتز برنده جایزه نوبل اقتصادی در سال ۱۹۷۹ میلادی، یکی از علمای اقتصادی معاصر است که تحقیقات متعددی در زمینه نقش نیروی انسانی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه دارد. وی معتقد است که سرمایه‌گذاری در ارتقاء نیروی انسانی مهمترین عامل در پیشرفت و توسعه کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد و تحقیقات وی نشان

داده که سهم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در نیروی انسانی بیشتر از دو سوم افزایش تولید را در این کشورها موجب شده و یک سوم بقیه به سایر عوامل تولید بستگی دارد (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۰).

۱۰- برنامه‌ریزی نیروی انسانی

در روند برنامه‌ریزی و در جهت دستیابی به توسعه هر فضای جغرافیایی، توجه به نیروی انسانی یکی از مهمترین و شاید بدون اغراق اصلی‌ترین فاکتور را تشکیل می‌دهد، چرا که تغییرات کمی و کیفی نیروی انسانی اثرات قابل توجهی را در این روند دارد (قدیری معصوم، ۱۳۸۴: ۱۵۳). توسعه نیروی انسانی به معنای سطح فعالیت، اشتغال و بهره‌وری یک جامعه است. یکی از مهمترین مسائلی را که در ارتباط با نیروی انسانی می‌بایستی در نظر داشت، مسئله اشتغال است؛ چرا که تأمین یا عدم تأمین اشتغال نیروی انسانی می‌تواند اثرات مثبت و منفی بر چگونگی دستیابی به توسعه هر کشور داشته باشد.

بنا بر اهمیت و نقش نیروی انسانی در تولید و اقتصاد کشور بایستی به این مقوله توجه زیادی شود، زیرا که نیروی انسانی نقش اصلی را در فرآیندهای مختلف جوامع انسانی بر عهده دارد. بنابراین برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از آن جهت پیشرفت و توسعه کشور ضروری به نظر می‌رسد. برای کلیه کارمندان دولت و کارگران مدت ۱/۵ ماه یا ۴۵ روز مرخصی سالانه وجود دارد که کلیه کارگران و کارمندان می‌توانند علاوه بر تعطیلات رسمی در طول سال که ۷۵ روز می‌باشد، ۴۵ روز مرخصی سالانه بگیرند. لذا جمع این دو رقم یعنی ۱۲۰ روز باز هم حدود یک سوم سال عدم اشتغال و بیکاری کلیه نیروهای فعال کشور می‌باشد که برای دوران بازسازی کشور و ضرورت‌های برنامه‌ریزی نیروی انسانی خیلی زیاد است. با توجه به تعطیلات تابستانی دانشگاه‌های کشور که حداقل ۲ ماه مرداد و شهریور می‌باشد، برای اقشار دانشگاهی به ویژه اعضای هیئت علمی و دانشجویان، ایام عدم اشتغال و بیکاری در سطح کل جامعه با توجه به ۱۲۵ روز تعطیل رسمی کشور با روزهای (پنجشنبه و جمعه) باید ۶۰ روز تعطیلی دانشگاه‌ها در تابستان را اضافه کنیم که می‌شود: روز $125 + 60 = 185$. بنابراین قشر اصلی و نیروهای آموزشی و پژوهشی کشور ما که بدنه اصلی نیروی انسانی در برنامه‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را تأمین و تدارک می‌نمایند، در وضعیت فعلی دانشگاه‌ها و برنامه آموزش عالی کشور حدود ۵۰٪ ایام سال را در استراحت و تعطیلی سپری می‌نمایند و قطعاً باید در این واقعیت

نامطلوب تجدید نظر شود و از نیروی انسانی متخصص در جامعه بهتر استفاده گردد (اولیایی، ۱۳۸۰: ۲).

مسئله مهم دیگر در رابطه با ساختار بیکاری و اشتغال، رویارویی با پدیده کمبود یا نبود فرصت‌های شغلی یا اشتغال نامناسب دانش‌آموختگان دانشگاهی را می‌توان نام برد، که به ویژه در دهه اخیر در ایران بروز کرده است و هر سال حادث می‌شود، زیرا در ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای در حال توسعه، جمعیت دارای تحصیلات عالی در سال‌های اخیر از لحاظ کمی رشد قابل توجهی داشته است. درست است که آمار بالای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان باعث بالا رفتن سطح علمی و گسترش فرهنگ می‌شود، اما این تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در انتظار شغل مناسبی می‌باشند و در صورت نبود شغل مناسب، تبعاتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت. لذا جذب و پذیرش دانشجو از سوی دانشگاه‌های کشور باید در راستای بازار کار و متناسب با نیازهای جامعه باشد و بایستی بین مؤسسات آموزشی و بازار کار تعامل ایجاد شود.

۱۱- ایجاد اشتغال در بخش غیر کشاورزی در مناطق روستایی

توجه و تأکید بر اشتغال در مناطق روستایی و کاهش شکاف موجود در ایجاد فرصت‌های شغلی بین مناطق شهری و روستایی، تأثیر مهمی در کاهش معضلات اجتماعی و اقتصادی خواهد داشت، و موقعیت اقتصادی و ثبات جمعیتی را بهبود خواهد بخشید. در حال حاضر با توجه به افزایش سریع و گسترده جمعیت از جمله جمعیت روستایی ایران از یکسو و ناتوانی بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی کافی برای نیروی کار حجیم و در حال افزایش روستایی از سوی دیگر، توسعه اشتغال غیر کشاورزی به ویژه برای گروه‌های کم درآمد یا فاقد زمین که برای تأمین نیازهای زندگی از درآمد کافی برخوردار نیستند، از اهمیت زیادی برخوردار است. در حال حاضر اشتغال‌زایی در مناطق روستایی از اهمیت دوچندانی برخوردار است، زیرا تحولات چند دهه اخیر جامعه ایران از جهات مختلف بر جامعه روستایی مؤثر بوده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها سرازیر شدن سیل مهاجرین روستایی به شهرها می‌باشد. بطوریکه سهم جمعیت روستایی از ۶۸ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۱ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است و دورنمای آینده کشور، بیانگر آن است که تا سال ۱۴۰۰ حداقل ۸ میلیون نفر از جمعیت جامعه روستایی به مناطق شهری مهاجرت خواهند کرد و در نتیجه سهم جمعیت روستانشین به ۲۷ درصد در سال ۱۴۰۰ تقلیل

می‌یابد، که نبود فرصت‌های شغلی و در نتیجه، افزایش فقر از مهم‌ترین دلایل این مهاجرت است و چنانچه تدابیر مناسبی در جهت رفع آن صورت نپذیرد، مشکلات تشدید خواهد شد (شهابی، ۱۳۷۹: ۲). ایجاد اشتغال در مناطق روستایی با سرمایه کمتر و در زمان کوتاه‌تر صورت می‌گیرد که به کاهش فقر، بیکاری و مهاجرت روستایی کمک می‌کند و در تخفیف معضلات شهری نظیر مسکن، ترافیک، آلودگی هوا و محیط زیست، نرخ تورم و ... نیز مؤثر واقع می‌شود. نظر به وجود شکاف زیاد بین اشتغال شهری و روستایی بایستی سیاست‌های ایجاد اشتغال روستایی علاوه بر بخش کشاورزی، در بخش‌های صنعت و خدمات نیز فرصت‌های شغلی مورد توجه قرار گیرد. از جمله می‌توان به ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در کنار بخش کشاورزی و بوجود آوردن صنایع کوچک و صنایع دستی در روستاها اشاره نمود.

در زمینه اشتغال مناطق روستایی بایستی از تجارب کشورهای موفق بهره گرفت؛ امروزه کشورهای صنعتی پیشرفته یا در حال توسعه، صنایع روستایی خود را با نیازهای بازار تطبیق داده‌اند. ژاپن بخشی از صنایع مدرن خود را به صورت صنایع خانگی به نقاط روستایی انتقال داده است و کشورهای چین، تایوان و اندونزی صنایع دستی خود را با توجه به نیازهای اساسی همه مردم جهان در همهٔ سنین (از تولد تا مرگ) منطبق کرده‌اند، که طبعاً یکی از دلایل توسعه جوامع و پایداری نسبی جمعیت روستایی آنان، همین شیوه توجه به صنایع روستایی است (حسینی ابری، ۱۳۸۳: ۲۴۲).

۱۲- نتیجه‌گیری

ایجاد اشتغال از مهم‌ترین ابزارهای کاهش فقر، بیکاری و نابرابری است. اشتغال‌زایی متوازن و متعادل از یک سو موجب افزایش سطوح درآمدی شده و از سوی دیگر سبب کاهش اختلافات درآمدی خواهد بود؛ بنابراین افزایش فرصت‌های شغلی در مناطقی که از فقر و بیکاری رنج می‌برند، از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

در کشور ما مسئله اشتغال از وضعیت چندان مطلوبی برخوردار نیست و نرخ بیکاری در کشور ما رقم بالایی را نشان می‌دهد؛ بطوریکه از ۹ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۹ رسیده است و در این میان بالاترین نرخ بیکاری به نیروی جوان اختصاص دارد. بطوریکه طبق آمار، درصد بیکاری در بین جوانان ۲۴ - ۱۵ ساله حدود ۲۹/۶ درصد می‌باشد که رقم خیلی بالایی را نشان می‌دهد. بررسی مقایسه نرخ بیکاری در استان‌های مختلف کشور در سال ۱۳۸۹

تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد، بطوریکه استان‌های خراسان شمالی، مرکزی، آذربایجان شرقی و مازندران به ترتیب با ۵/۴، ۳/۱۰، ۴/۱۰ و ۵/۱۰ درصد دارای کمترین میزان نرخ بیکاری و استان‌های فارس، لرستان، اردبیل و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با ۳/۲۱، ۱/۱۶، ۱۵ و ۹/۱۴ درصد دارای بیشترین میزان نرخ بیکاری می‌باشند. در مقایسه با نرخ بیکاری سال ۱۳۸۵ بیشترین تغییرات را استان فارس و استان سیستان و بلوچستان داشته‌اند، بدین صورت که استان سیستان و بلوچستان کاهش محسوسی در نرخ بیکاری نسبت به سال ۱۳۸۵ داشته است و در مقابل آن استان فارس افزایش چشمگیری را در نرخ بیکاری سال ۱۳۸۹ داشته است. در بین اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی در کل کشور، بخش خدمات با ۷/۴۷ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است و در مراتب بعدی، بخش‌های صنعت با ۲/۳۱ درصد و کشاورزی با ۱/۲۱ درصد قرار دارند. در این میان بخش کشاورزی، کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته، بطوریکه سهم آن از ۳/۵۶ در سال ۱۳۴۵ به ۱/۲۱ درصد در سال ۱۳۸۹ رسیده است. بدین ترتیب اشتغال در بخش کشاورزی که مهم‌ترین بخش اشتغال و درآمد روستاییان را تشکیل می‌دهد با کاهش شدید مواجه بوده است و نیروهای رها شده از این بخش در بخش‌های دیگر اقتصادی از جمله خدمات به کار گرفته شده‌اند. بنابراین باید به فکر ایجاد اشتغال در روستا در بخش‌های دیگر مثل صنایع و بویژه صنایع کوچک روستایی باشیم. در کشور ما از نیروی انسانی که مهم‌ترین منبع اقتصادی جوامع را تشکیل می‌دهد، استفاده بهینه‌ای نمی‌شود به همین علت بازار کار در کشور ما با عدم تعادل‌های شدیدی مواجه است که عدم استفاده از این همه نیروی انسانی و وجدان کاری از آن جمله است. به نظر تئودور شولتز، سرمایه‌گذاری در ارتقاء نیروی انسانی، مهم‌ترین عامل در پیشرفت و توسعه کشورهای توسعه یافته می‌باشد و بنابر تحقیقات او، سهم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در نیروی انسانی حدود ۷۰ درصد افزایش تولید را در این کشورها موجب شده و ۳۰ درصد بقیه به سایر عوامل تولید بستگی دارد.

در پایان پیشنهاد می‌شود که مجموعه سیاست‌های کلان اشتغالی با نگرش برنامه‌ریزی منطقه‌ای و سیاست‌های آمایش سرزمین تهیه و تدوین گردد و سیاست‌های متناسب و متوازن سرمایه‌گذاری بین مناطق شهری و روستایی پیگیری شود تا شاهد تمرکززدایی و کاهش بیکاری در کشور بوده و کاهش مهاجرت روستاییان را در پی داشته باشد.

- احمدی، وکیل و بهجت یزد خواستی (۱۳۸۵)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تأکید بر سرشماری ۱۳۸۵، **مجله مطالعات زنان**، سال اول، شماره سوم.
- افتخاری، رضا (۱۳۷۷)، زن روستایی و توسعه روستایی، **مجله پیام**، سال هفتم شماره ۷.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱)، تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار در بخش‌های اقتصادی و پیش‌بینی اشتغال در برنامه سوم توسعه، **مجله برنامه و بودجه**، شماره ۷۴.
- اولیایی، اسماعیل (۱۳۸۰)، **استفاده مطلوب از منابع و نیروی انسانی در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی کشور**، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- باصری، بیژن و اسفندیار جهانگرد (۱۳۸۶)، بررسی و تحلیل ظرفیت اشتغال‌زایی بخش کشاورزی ایران، **مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال پانزدهم، شماره ۵۹.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی و حمید سهرابی، تهران: انتشارات وزارت برنامه و بودجه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵)، **جامعه‌شناسی کار و شغل**، انتشارات سمت.
- توسلی، محمود (۱۳۷۰)، **سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و توسعه اقتصادی**، تهران: نشر مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- توسلی، محمود (۱۳۸۵)، کارکرد اقتصاد بازار در حل بیکاری در ایران، **مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ۷.
- تهرانی، منوچهر (۱۳۵۱)، **عامل انسانی در اقتصاد ایران**، تهران: انتشارات شرکت اندیشه.
- جوان، جعفر (۱۳۸۳)، **جغرافیای جمعیت ایران**، چاپ سوم، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- حسینی ابری، سیدحسین (۱۳۸۳)، **مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران**، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- خانی، فضیله (۱۳۷۵)، **جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرایند توسعه روستایی (مطالعه موردی: استان گیلان)**، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.
- دهقان، امین (۱۳۸۸)، **طرح نظام خدمات‌رسانی به روستاها (بخش مرکزی شهرستان ممسنی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان.
- دهقان، فتح‌الله (۱۳۸۰)، **نقش اشتغال در کاهش مهاجرت‌های روستایی (مطالعه موردی دهستان مشایخ شهرستان ممسنی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- دیناروند، قدرت (۱۳۷۴)، «**علل عدم کارایی نیروی انسانی و نقشه منفی آن در توسعه اقتصادی- اجتماعی استان لرستان**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.

- رایسنون، جیمز (۱۳۷۸)، **آینده کار**، مترجمان سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، نشر نی، چاپ اول.
- رسولی نژاد، احسان و مهدی نوری (۱۳۸۸)، اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال ایران، **مجله تحقیقات اقتصادی**، شماره ۸۹.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۳)، ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی، **مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه**، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۰)، بررسی، تحلیل و برنامه‌ریزی اشتغال در استان یزد، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- سپهر، جعفر (۱۳۴۵)، **بیکاری**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۷)، **مبانی جغرافیای روستایی**، تهران: انتشارات سمت.
- شایان، حمید (۱۳۸۰)، تحلیل کمی روند رشد و تحولات اشتغال در استان خراسان در دو دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ و ۱۳۶۵-۱۳۷۵، **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- شهابی، سیامک (۱۳۷۹)، **بررسی دیدگاه‌ها، الگوهای نظری و تجربه برخی کشورها در خصوص اشتغال غیرکشاورزی**، اصفهان، سازمان جهاد سازندگی استان اصفهان، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- صفوی، بیژن (۱۳۸۳)، بررسی قابلیت‌های اشتغالی بخش صنعت ایران، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران**، شماره ۱۹.
- طالقانی، غلامرضا (۱۳۸۴)، **نقش فناوری اطلاعات در ایجاد اشتغال**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، **صنعتی شدن روستا ...**، تهران، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری وزارت جهاد سازندگی.
- علیزاده، محمد (۱۳۷۸)، اشتغال، بازار کار و تأمین اجتماعی، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، سال اول، شماره دوم، پاییز ۷۸، صص ۱۱۷-۹۷.
- فخاران خوراسگانی، منصور (۱۳۸۲)، **ساماندهی توانمندی‌های بخش کشاورزی به منظور توسعه روستایی در بخش‌های برآن شمالی و جنوبی**، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان.
- فنی، زهره (۱۳۷۵)، عوامل فقرزا در آئینه تئوری‌ها، **مجموعه مقالات تحلیل و بررسی اقتصادی فقر**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- قدیری معصوم، مجتبی و همکاران (۱۳۸۳)، توسعه اشتغال در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان لاهیجان)، **پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۴۸.

- قدیری معصوم، مجتبی و همکاران (۱۳۸۴)، بررسی آماری روند رشد و تحولات اشتغال در نواحی روستایی استان اصفهان، **مجله پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۵۴.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۲)، **نظریه‌های توسعه اقتصادی**، تهران، نشر نی.
- قویدل، صالح (۱۳۸۷)، خود اشتغالی در مقابل بیکاری (مورد ایران)، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، سال هشتم، شماره یک.
- کرباسی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۷)، پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران، **مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)**، جلد ۲۲، شماره ۲.
- کهزادی، بهروز و حمید بلالی (۱۳۸۱)، بررسی رابطه درازمدت اشتغال و موجودی سرمایه در بخش کشاورزی ایران، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی مدرس**، دانشگاه تربیت مدرس، سال ۲، شماره ۴.
- گالنسون، والتر (۱۳۶۸)، **مقدمه‌ای بر مسایل اشتغال در کشورهای در حال توسعه**، ترجمه دکتر علی‌الله همدانی.
- گزارش جمهور (۱۳۸۷)، **وزارت کار و امور اجتماعی در دولت نهم «رویکردها و دستاوردها» با تأکید بر اشتغال‌زایی**، تهران: شماره ۴۴.
- گلابی، سیاوش (۱۳۶۸)، **مدیریت و توسعه منابع انسانی در ایران**، تهران: انتشارات فردوس.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، **چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹**.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۹)، **سالنامه آماری**، تهران: انتشارات مرکز آمار ایران.
- منصوری سلح‌چینی، نارنج (۱۳۸۵)، **نقش کشاورزی در توسعه روستایی «بخش خانمیرزا»**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان.
- مهدوی عادل، محمد حسین (۱۳۸۰)، **راهبردهای توسعه اشتغال در استان خراسان، مجله دانش و توسعه**، شماره ۱۴.
- مهدوی، مسعود (۱۳۸۰)، **بررسی و شناخت صنایع دستی (قالیافی) ... پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره ۴۱.
- نیونی، ابراهیم (۱۳۸۴)، **بررسی نقش بنگاه‌های کوچک در اشتغال ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- نظری، محسن (۱۳۷۷)، **مشخصه‌های تحوّل بازار نیروی کار ایران در چهار دهه اخیر (۱۳۳۵-۱۳۷۵)**، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۲۹-۱۳۰.